

گپ

گفت‌وگوی گاردین با جف کینی نویسنده کودک و نوجوان بچه‌ها بوی موعظه را دوست ندارند

فاطمه عسگری آراد

■ **جف کینی موفقیت چودش را مدیون سری کتاب‌های خاطرات یک بچه‌رقو است. پنج جلد اول این کتاب در ایران با نام‌های مختلف و گوناگون ترجمه شده است و حدود ۱۰ نشر این کتاب را چاپ کرده‌اند. ششمین کتاب جف کینی که واسط آبان امسال با نام «خاطرات یک بی‌عرضه: Cabin fever» منتشر شد، در فهرست پر فروش ترین کتاب‌های آمازون، پس از کتاب زندگینامه استیو جابز در رتبه دوم قرار دارد. در این مصاحبه کینی راجع به پایان کتابش و شباهتش با سلینجر صحبت می‌کند.**

گاردین: این مصاحبه در دفتر ناشر انگلیسی جف کینی Penguin انجام گرفت؛ مصاحبه با کسی که هنوز اتفاقاتی را که برایش رخ داده کاملاً نمی‌تواند باور کند. آخرین باری که کینی به انگلستان رفت یک کوله به‌دوش بود اما امروز او یکی از موفق‌ترین نویسندگان کتاب کودک روی کره زمین است. کتاب پنجم این مجموعه که با نام خاطرات یک بی‌عرضه: Ugly Truth سال گذشته منتشر شد، در هفته نخست با سرعت یک کتاب در هر ۱۱ ثانیه فروخته شد. باور کردن این حقایق برای جف کینی هم دشوار است: «حساس می‌کنم که تمام این اتفاقات برای فرد دیگری رخ داده و نه خود من!»

اولین جلد این مجموعه چهار سال پیش توسط یک ناشر کوچک آمریکایی با تیراژ ۱۵هزار منتشر شد. موضوع کتاب زندگینامه Gerg Heffley (گرگ هفلی) یک بچه ۱۲ساله دوست‌داشتنی است که ناپدیدانه تلاش می‌کند در مدرسه خودش را جا دهد و بی‌تاب بزرگ شدن است. این بار گرگ و خانواده‌اش در یک تعطیلات برفی در خانه گیر کرده‌اند که منجر به درگیری‌هایی بین گرگ و خانواده‌اش می‌شود. شیوه داستانی کینی ساده است. هر کتاب پر از یادداشت‌های دست‌نویس گرگ است، به همراه تصاویر کارتونی که



روزهای زندگی گرگ را به تصویر می‌کشد. این کتاب‌ها به ۳۰ زبان دنیا ترجمه و بیش از ۵۰ میلیون نسخه در دنیا فروخته شده است و در انگلیس نزدیک به ۹ میلیون نسخه از آن به فروش رفته است. دو قسمت اول این کتاب نیز تبدیل به فیلم شده است و نام کینی هم در مجله تایمز سال ۲۰۰۹ جزو صد شخصیت با نفوذ ذکر شد. واکنش او به این خبر نیز جالب بود: «انگار یک شوخی عملی شده است! من حتی در خانه خودم هم بر نفوذترین فرد نیستم». کینی رواییش این بود که کار نویسیت روزنامه شود اما به قول خودش «فقدان استعداد به عنوان تصویرگر» باعث شد که مسیر دیگری را طی کند. بعد از دانشگاه به عنوان طراح گر افیک و صفحه‌بندی یک روزنامه محلی مشغول به کار شد سپس در سایت طراحی بازی‌های آموزشی کودکان مشغول به کار شد و هنوز هم در Poptropica به طور تمام‌وقت مشغول کار است. «مایی که برای نوشتن کتاب نیاز به تورهای کتاب داشتم آنها مرا کلاما درک کردند اما بعد از آن به زندگی روزمره و کار از ساعت ۹ تا ۵ عصر برگشتم. من تنها شبها و تعطیلات آخر هفته روی کتابم کار می‌کنم. برایم بیشتر شبیه یک سرگرمی است. هر کتابی ۹ ماه زمان برد و این زمان شامل صیحا و تعطیلات می‌شود. همان‌طور که می‌بینید زمان کمی برای باقی اسور می‌ماند. خوشبختانه همسر جولی پشتیبان خوبی است.» پسر ۹ساله‌اش ویل و دختر شش‌ساله‌اش گرت از تماشای تصویرگی‌های او لذت می‌برند. «من این‌طور زانم‌را با آنها سیری می‌کنم؛ زمانی که اولین بار کینی به فکر نوشتن داستان‌های یک بچه‌رقو افتاد، تصورش این بود که داستانی نوستالژیک برای بزرگسالان می‌نویسد: «هر هنر تصور نمی‌کردم که مشغول نوشتن داستانی برای کودکان هستم. وقتی شنیدم کودکان کتاب را می‌خرند واقعا شوکه شدم!» اگر می‌دانستم که برای کودکان می‌نویسم احتمالا توضیحات بیشتری را اضافه می‌کردم و این باعث می‌شد که جنبه داستان از بین برود. بچه‌ها می‌توانند بوی موعظه را استشمام کنند و این بو را دوست ندارند! آنها ویژگی بی‌دست و پا بودن گرگ را دوست دارند. گرگ در هیچ چیزی بهتر از آنها نیست، او هم تلاش می‌کند که زندگی‌اش را مدیریت کند همان‌طور که باقی کودکان تلاش می‌کنند.»

او در مورد شباهت کتابش به «اتودشت» سلینجر و «خاطرات سیری آدرین مول» می‌گوید: «در هر دو مورد یک رای کمی غیرقابل اعتماد داستان را تعریف می‌کند و او کسی است که بسیار پرافاده است و فکر می‌کند که نگاه درست به دنیا نگاه خود اوست. این همان ارتباط ناخودآگاه بین شخصیت من و جی‌دی سلینجر است»

به نظر جف کینی «موفقیت بسیار سریع سراخ آدم می‌آید. من راجع به پایان خاطرات یک بی‌عرضه فکر می‌کنم. هر تلاش خلاقانه‌ای یک تاریخ مصرف دارد و بهترین نویسندگان می‌دانند که زمان پایان آن چه هنگامی است. من فکر می‌کنم که هفت تا ۱۰ جلد می‌تواند طول مناسبی برای این سری باشد کمی شبیه هر ی پاتر. من نمی‌خواهم بیش از حد در این مرحله بمانم»

هالیوودریپورتز: «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی اصغر فرهادی که اخیرا نامزد جایز بهترین فیلم خارجی جوایز گلدن گلوب شده، یکی از سه فیلم پیشنهادی هالیوودریپورتز است که توصیه کرده حتما باید آن را تماشا کرد. نشریه سینمایی هالیوود ریپورتر فیلم «جدایی نادر از سیمین» را یکی از سه نامزد جایزه اسکار فیلم خارجی معرفی کرد که حتما باید آن را تماشا کرد. در این نشریه، این فیلم نیز یکی از اثری دانسته شده که باید به تماشای آنها نشست. این نشریه سینمایی با اشاره به اینکه بخش غیرانگلیسی جوایز اسکار هیچ‌وقت از جنجال و شایعه به دور نبوده اعلام کرد، به نظر می‌رسد نمایندگان ایران، لبنان و فنلاند سه فیلمی خواهند بود که در میان پنج نامزد نهایی جایزه اسکار ۲۰۱۲ حضور خواهند داشت.»

گلدن گلوب و طرفدارانش

چند روز از انتشار اسامی نامزدهای جایزه گلدن گلوب می‌گذرد که یکی از معتبرترین جوایز جهانی و در برگیرنده نظرات منتقدان آمریکایی است. امسال هم تعداد زیادی از نام‌های بزرگ در کنار هم قرار گرفته‌اند

نیویورک میزبان نمایشگاهی مهم از آثار هنرمندان ایرانی در کنار ستاره‌های هنر جهان از جمله سیندی شرم‌ن و مارینا آبراموویچ شد. گالری میلانی هنر نیویورک با ۲۰ سال سابقه، این روزها پذیرای نمایشگاهی با عنوان «ماسک و آینه» شده که در آن آثار شماری از هنرمندان مطرح ایرانی و غیرایرانی از جمله مارینا آبراموویچ، پائولو کانیسوار، فریدون غفاری، لیل اشتون هریس، وای. زد، کامی، شهرام کریمی، یوسف نبیل، نیکی نجومی، بهار سبزواری، سیندی شرم‌ن، شاه ضیاء اسکندر، ایکه اودو، وان لنو و اندی واره‌ول به نمایش گذاشته شده است. از نکات مهم این نمایشگاه آن است که طبق قرار دست‌اندکاران آن، همه آثار در قالب خودنگاره (سلف‌پرتره) آرایه شده است. هنرمندان شرکت‌کننده برای آرایه سلف‌پرتره‌های خود از دو رسانه نقاشی و عکاسی بهره برده‌اند. نمایشگاه گردان این نمایشگاه درباره این رویداد هنری می‌گوید: «نکته مهم درباره این نمایشگاه آن است که هنرمندانی با پس‌زمینه‌های مختلف فرهنگی و از نسل‌های مختلف در آن شرکت دارند. سلف‌پرتره‌های این نمایشگاه دو دسته‌اند؛ یک دسته از آنها روی مبحث مهم «هویت» تاکید دارند و دسته دیگر، دربردارنده

شکایت وزارت ارشاد از «خانه سینما»

شرق: ماجرای اختلاف‌های خانه سینما و مسوولان وقت معاونت سینمایی در این مدت بارها مطرح شده است اما این بار موضوع شکل دیگری گرفته چرا که فرهاد توحیدی خبر داد در پی شکایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از خانه سینما، دادگاهی در ۲۱ دی ماه در محکمه قضایی برگزار می‌شود.

رئیس هیات‌مدیره خانه سینما که با «ایسنا» گفت‌وگو می‌کرد، توضیح داد: «وزارت ارشاد خواستار صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از فعالیت موسسه خانه سینما به علت اساسنامه غیرقانونی شده، بر این اساس همچنین خواستار ابطال اساسنامه مصوب مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۲۰ خرداد ماه ۸۷ هم شده است».

او خاطرنشان کرد: «مسوولان وزارت ارشاد از محاکم قضایی هم خواسته‌اند، اداره کل ثبت شرکت‌ها را موظف کند تا نسبت به ابطال اساسنامه فعلی خانه سینما اقدام کنند»

توحیدی تصریح کرد: «علاوه بر خانه سینما، وزارت ارشاد از اداره کل ثبت شرکت‌ها هم شکایت کرده است».

رئیس هیات‌مدیره خانه سینما گفت: «براساس این

و با اینکه هرکدام از آنها برنده جوایز زیادی شده‌اند اما هنوز هم برایشان این بر گزیده شدن جذاب است. این بار گلدن گلوب برای ایرانی‌ها هم اتفاقی خاص بود برای اینکه نام اصغر فرهادی و فیلم «جدایی نادر از سیمین» در آن قرار داشت.انتخابی که اصغر فرهادی نسبت به آن چنین واکنش نشان داد: «انتخاب گلدن گلوب به‌عنوان بهترین فیلم خارجی، برای خودم و تمام همکارانم در این فیلم و همچنین برای خانواده گسترده سینمای ایران که من به آنجا تعلق دارم، رویدادی بسیار مهم است که همه ما را خوشحال کرد. این نامزد شدن به من انگیزه بیشتری داد و مرا تشویق کرد که فیلم‌سازی در این نوع از سینما را ادامه دهم.»

مارتین اسکورسیزی معروف که به دلیل اختراع هوگو کابر در بخش بهترین کارگردان‌های سینما برگزیده شده است، چنین گفت: «ساختن هوگو یک تجربه فوق‌العاده برای من بود. هوگو به من این فرصت را داد تا در قالب سبهدعی کار کنم و این چیزی بود که از زمان

۳ فیلمی که بیشترین شانس را برای اسکار دارند

جوای آرزوی آن را داشتیم. این فیلم به من این اجازه را داد تا ماجراجویی یک کودک را به نوعی که در زمان‌های جوانی دوست داشتم به تصویر بکشم و این موقعیت را برایم فراهم کرد که به یکی از بزرگ‌ترین پیشگامان سینما، ژرژ ملییس ادای احترام کنم. به رسمیت شناخته شدنم توسط انجمن مطبوعات خارجی هالیوود برای این فیلم به‌خصوص برای من اهمیت ویژه‌ای دارد.»انجلینا جولی بازیگر شناخته شده در اولین گام کارگردانی در بخش فیلم‌های خارجی کاندیدا شده است. کارگردان «سرزمین خون و عسل» که زبان فیلمش غیرانگلیسی است چنین ابراز خرسندی کرده است:«من سیاسگزار انجمن مطبوعات خارجی هالیوود هستم که به فیلم ما امتیاز ویژه‌ای دادند. این یک همکاری واقعی بود و من تابید مدیون بازیگران‌مان و دیگر کارکنان هستم کسانی که تجربه ترازدی شخصی‌شان را در جنگ بوسنی برایم بازگو کردند و به من دید صحیحی از این جنگ دادند. این کاندیدیشن ادای احترام به استعداد و اشتیاق انبوه

سیندی شرم‌ن، شهرام کریمی، فریدون غفاری، مارینا آبراموویچ و یوسف نبیل در «ماسک و آینه»

نیویورک، میزبان هنر ایران

پرویز براتی

عواطف و احساسات شخصی هنرمند هستند. مارینا آبراموویچ هنرمند سرشناس مفهومی در این نمایشگاه اثری با عنوان «سلف‌پرتره‌ای با فالتوون» مربوط به سال ۲۰۱۰ را آرایه کرده است. یوسف نبیل، هنرمند مطرح مصری هم چند سلف‌پرتره عرضه کرده که مربوط به سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ هستند از زیبایی نمایشگاه مشترک هنرمندان ایرانی و ستاره‌های هنر جهان می‌پردازد: «درحالی‌که هنرمندان برون‌مرزی ایران بیشتر میراث فرهنگی خود را به تصویر می‌کشند، تاکید هنرمندان داخل روی زندگی روزمره است اما در یک فرایند مکرر شاید هر دو آنها با هم مشترکند: گاه مبهم، گاهی احساساتی و اغلب نوستالژیک و برخی اوقات طنزآمیز».

رضا درخشانی از هنرمندان مطرح ایران در عرصه بین‌المللی با مثبت خواندن برپایی این‌گونه نمایشگاه می‌گوید: «به عقیده من این اولین نمایشگاه جدی در مورد هنر امروز ایران است که خصوصا در سال‌های اخیر در آمریکا برپا می‌شود. اهمیت نمایشگاه مزبور در این است که فارغ از پرکندگی جغرافیایی هنرمندان ایران در سراسر جهان، درصد نشان دادن هنر معاصر ایران در عرصه بین‌المللی است.»

اعتمادی و «تو محکومی به برگشتن»

خشايار اعتمادی که قرار است با آلبوم «تو محکومی به برگشتن» به موسیقی بازگردد، گفته است: «تو محکومی به برگشتن» در ادامه تفکر و روند آلبوم پیشینم «باید به تو برگردم» است.» او این آلبوم را شامل ۱۰ قطعه دانست و افزود: در این آلبوم یکی از قطعات را به طور مشترک با رضا صادقی خوانده‌ام.

این بازیگران فوق‌العاده است.»پدرو المودوار کارگردانی که همیشه مورد توجه است این‌بار برای فیلم «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» جزو کاندیداهای بهترین فیلم خارجی شده و گفته است: «من از اینکه فیلم آخرم «پوستی که در آن زندگی می‌کنم» کاندید گلدن گلوب شده است بسیار خوشحالم. انجمن مطبوعات خارجی هالیوود همیشه با من بسیار سخاوتمندانه رفتار کردند و من از اعماق قلبم از آنها سپاسگزارم. من با فیلم‌های خارجی شگفت‌آوری رقابت می‌کنم و برایم مهم نیست که از یکی از آنها شکست بخورم. برای من شرکت در مراسم شام بورلی هیلتون و نوشیدن یک آب معدنی با افرادی که بسیار تحسین شان می‌کنم، جایزه خواهد بود.» «هریل استریپ» که بیش از ۱۶ بار کاندید اسکار شده است، باهم از اینکه مورد توجه قرار گرفته است این بار برای بازیگری در نقش مارگارت تاچر در فیلم «بانوی آهنین» خوشحال است و می‌گوید: «من از اینکه در این گروه عالی از بازیگران قرار گرفته‌ام، بسیار هیجان زده‌ام. به فیلم مان افتخار می‌کنم و برای دیدن همه هنرمندان در مراسم جشن ژانویه انتظار می‌کنم.»



«پایان» گیارستمی در راه پایان

عباس کیارستمی، فیلم «پایان» را با کمک کمپانی mk2 بیش از یکماه پیش در ژان آغاز کرده و در تلاش است تا ۲۰ روز دیگر فیلمبرداری فیلم را به پایان برساند. فیلمبرداری این فیلم در دو شهر یوکوهاما و توکیو انجام می‌شود و «رین تاکاگاشی» و «دانشی اوکونو» از جمله بازیگران ژاپنی‌ای هستند که در این فیلم حضور دارند.

حاشیه‌های قهوه تلخ

دادند اما این بار مهران مدیری در این‌باره با مردم سخن نگفته و تنها سازندگان به درج اطلاعاتی‌ای اکثفا کرده‌اند. اما ملک‌زاده این موضوع را رد کرد و با اعلام اطلاعاتیه روابط عمومی این مجموعه از علاقه‌مندان خواست تا از خرید این نسخه تقلبی دست نگه‌دارند تا نسخه اصلی این قسمت با اعلام رسمی گروه سازنده منتشر شود. او می‌گوید، مهران مدیری قطعاً در ابتدای مجموعه ۶۶ مخاطبان صحبت خواهد کرد و بازیبنای دیگر نخواهد داد. قرار بود ۱۰ مهر صدور پروانه ساخت سری جدید سریال قهوه تلخ بررسی شود، اما تا امروز خبری از صدور مجوز به این سریال که توزیع در شبکه نمایش خانگی است، نشده است. شورای نظارت و ارزشیابی اعلام کرده بود که با توجه به تغییر زمان در این مجموعه باید برای آن مجوز تازهای صادر شود. مدیر کل اداره نمایش خانگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیش از این درباره تأخیر در عرضه این مجموعه در شبکه نمایش خانگی گفته بود: ظاهراً این دوستان دیرای ساخت سری جدید درگیر ساخت و سازهای لوکیشن جدیدشان هستند که به محلی که پیش از این برای مجموعه ساختمان پزشکان مورد استفاده قرار گرفته بود، نقل مکان کرده‌اند.



لس‌آلیس تایمز: (Cesaria Evora) اورا خواننده مشهور آفریقایی در ۷۰ سالگی فوت کرد. این خواننده زن سیاهپوست هنگامی که موسیقی سنتی جزیره غربی آفریقا «کپ وارد» را اجرا می‌کرد بدون کفش روی سن حاضر می‌شد به همین دلیل اورا سردسته پابرهنه‌ها می‌نامیدند.
اورا خوانندگی را با زمانی که نوجوان بود، در دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد و در سال ۲۰۰۴ برای آلبوم Voz D'Amor برنده جایزه گرمی شد که او را تبدیل به ستاره‌ای بین‌المللی کرد.

کلیه‌کوچک‌من

چشیدن – ۱۰۱

اردشیر خرمنکوب

■ **به صورت ظاهر، این مرگ است که مردمان را می‌چشد و می‌بلعد، چرا که سهم مردمان در این معادله، هضم شدن و نابودی است و حال آنکه خدای متعال در «کل نفس» گویا حیات و زندگی تازه‌ای می‌بیند که انسان با چشیدن مرگ باید به آن برسد. چشیدن، آغاز یک تداوم آتی است. می‌گویم: گام دوم آن کسی که مرگ را می‌چشد و آن را می‌پسندد، کام گرفتن است. این آیه، از شروع یک حیات تازه خبر می‌دهد، گرته خادوند باید به یک بن‌بست مطرود اشاره می‌فرمود، و به یک نیستی بی‌سرانجام و به یک پایان پوچ، بپیر کهنشالی که نای نفس کشیدن ندارد، حالا چیزی به اسم مرگ را می‌چشد. ما از آن سوی این عالم خیر نداریم. شاید این پیر کهنسال، با مرگ خود، شربتی می‌چشد و می‌نوشد، که او را برای ورود به دنیای تازه و بهرمندی از حیات مجدد، بر سر پا می‌کند. «کل نفس ذائقه الموت» تزریق یک اجبار عادلانه و خیرخواهانه به زندگی بشر است. برای اینکه او، به توقف دنیا دل خوش نکند و از دنیای بی‌کران آخرت بازماند. اگر اختیار مرگ با خود انسان بود، چه کسی برای ورود به کام مرگ پیش‌قدم می‌شد؟ مرگ، با همه تلخی چهره‌اش، شهید شربتی است که انسان زشتکار را از تداوم زشتکاری‌اش بازمی‌دارد و به او می‌گوید: بس است. دست نگه دار، و به انسان درستکاری می‌گوید: قبول! تو قبول شدی، و هر دو را به مالورایی می‌برد که خیر هر دو در آن است. «کل نفس ذائقه الموت» یعنی اینکه مرگ، فقیر و غنی نمی‌شناسد. ضعیف و قوی نمی‌شناسد. رعیت و پادشاه، پیر و جوان، بی‌سواد و باسواد، مرد و زن، پیغمبر و غیرپیغمبر نمی‌شناسد. قانون فراگیری که بی‌هیچ اعوجاج، بـر اجرای حتمی خود مصمم است، گرنش‌گری است که یک به یک روندگان خود را برمی‌گزیند تا پرونده‌های مختومه دنیای آنان را به بایگانی مخصوص بسپرد و پرونده‌های تازه‌ای برای آنان واکند. «کل نفس ذائقه الموت» دایره‌ای است که همه انسان‌ها را و حتی همه موجودات را احاطه کرده تا احدی برای خود گریزگاهی تصور نکند. دایره‌ای که تنها و تنها خدا از آن بیرون است: خدای خالق دایره، خدای خالق ذائقه. خدای خالق مرگ، و خدای خالق دنیا و آخرت! مرگ، برخلاف بسیاری از نوشته‌ها و شعرها و تشبیه‌ها، شکارچی نیست. تا تیرتوگمانی برآورد و نشانه بگیرد و شکارهای خود را یک به یک، به تیر خود پا درآورد، و یا، کرکسی که لاشه‌ها را از هم می‌درد و یا، گرگ اجلی که هر دم از این گله می‌پرد، و یا، جلد کرولای که نه سخن می‌گوید و نه التماسی می‌شوند، و یا، فخالش خون‌آشامی که هیچ‌گاه از مکیدن خون انسان‌ها سیر نمی‌شود، و یا، هیولای گرسنه‌ای که جز از جان آدمیان ارتزاق نمی‌کند، به باور من اما مرگ، کشتزار آدمیان است. تا صباحی بعد، روشنی دوباره آغاز کنند و یا، مسافرتی که عبور از منزل اول آن پایان یافته و باید به منزل دوم آن پای گذارد، و یا، کتابی که نگارش آن به سرانجام رسیده و مطالعه آن آغاز شده**

پیشنهاد می‌کنم در همین راستا، درهیچ‌هفتادوهمش سوره نساء را واگشایی کنیم. ابتدای آیه، بر قانون حتمی مرگ، از زاویه‌ای دیگر نگاه می‌کند: «لَمَّا تَكُونُوا بِدَرْكِ الْمَوْتِ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي رُوحٍ مُّشْهِدِينَ... = هر کجا باشید، مرگ شما را فرامی‌گیرد. هرچند در برج‌های محکم باشید.»

این تحکم حتمی، همان قانون بی‌چون و چرای مرگ است. تا مردمان، حتی خیال گریز او را نیز در سر نپورانند. تصویری که از این قانون خلق شده، به‌اطمینان و استحکام همه‌جانبه‌ای آمیخته است. در این تصویر، هم جذابیت هست، هم کشش و هم حقارت و زبونی بشر در مواجهه با مرگ، من در این تصویر، قصر بلندی می‌بینم، که بسیار بلند. که یکی از ساکنان این قصر، برای گریز و راهی از مرگ، از دالالی به دالالی می‌دود و درها را یک به یک با پی می‌بندد و بر آن‌ها قفل می‌زند. خود را از پله‌ها بالا می‌کشد و بر ارتفاع بلند برج می‌ایستد.

«فی بروج مشیده» مرا به یاد همه تمهیدات بشری برای راهی از مرگ می‌اندازد. از بناهای بلند و تودرتو، تا فعالیت‌های علمی و پزشکی.

تا بوده، بشر در کنار این قانون حتمی زیسته و به چشم خود خروج اطرافیان و بستانگان خود را از دایره این دنیا دیده اما هیچ‌گاه این مرگ را برای خود تجویز نکرده است.

همه را در آغوش مرگ دیده الا خودش. را مرگ هر نفر، ازپیر آماده‌بالی برای همه است، و برای خود، ما که

یعنی‌ای مسافر بعدی خود ما باشیم. می‌گویم: اکنون که قانون حتمی مرگ دست‌به‌کار است، بسیاری از انسان‌ها را هراس از زشتکاری نیست، وای از روزی که مرگ نمی‌دود و کسی بیم رفتن نمی‌داشت.

■ **مهر:** پس از ۱۰ سال توقف در برگزاری دوسالانه تصویری کتاب کودک، برگزاری ششمین دوره این دوسالانه با وجود اینکه طرح انتقال آن از معاونت امور فرهنگی به معاونت امور هنری وزارت ارشاد مطرح شده و به تصویب نیز رسیده اما همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و در این میان نه انجمن تصویرگران کتاب کودک به‌عنوان یک طرف ماجرا و نه مدیریت هنرهای تجسمی وزارت ارشاد از سوی دیگر هیچ‌کدام به روشنی پاسخ درستی در مورد این دوسالانه که حالا دیگر می‌توان آن را دوسالانه تاکام یا حتی ۱۰ سالانه تاکام! نامید، نمی‌دهند و هر دو طرف ماجرا سعی دارند طرف مقابل را مسوول این بی‌نظمی جلوه دهند.

حاشیه